

عبدالغنی میرزایف
(تاجیکستان)

یک نسخه جعلی دیگر از اشعار رودکی

در گنجینه^۱ نسخ خطی شرقی کتابخانه^۲ دولتی عمومی بنام سالتیکوف شدرین کتابی بعنوان «مجموعه^۳ شعرا» تحت شماره^۴ ۳۲۲ موجود است که بشرح حال و نمونه^۵ آثار تعدادی از سخنوران پارسی گوی اختصاص دارد. این مجموعه صرف نظر از اطلاعات مقدماتی که دارن (Dorn) در سال ۱۸۵۲ در فهرست خود داده بود^۶، اگر خطا نکنم تا کنون مورد هیچگونه تحقیقاتی قرار نگرفته است. اطلاعات دارن نیز مجمل و بسیار ناقص است و درباره^۷ مجموعه^۸ فوق الذکر تصورات روشنی بخواننده نمی دهد. از این جهت پیش از ورود باصل موضوع لازم می دانیم که درباره^۹ کیفیت این نسخه اندکی به تفصیل سخن گوئیم تا هم خوانندگان در خصوص آن تصور روشنی پیدا کنند و هم به حل موضوع و تاریخ تدوین کتاب و امثال آن کمک شده باشد. «مجموعه^{۱۰} شعرا» نسخه ایست قطور که مرکب از ۳۳۶ ورق و هر صفحه^{۱۱} آن چهار ستون (ستون ۲۵ مصرعی است) و باخط نستعلیق متمایل

۱ - B. A. Dorn. Catalogue des manuscrits et xylographes orientaux de la bibliotheque imperiale publique de St. - Pétersbourg, p. 312, No 322, St. - Pétersbourg, 1852.

به شکسته کتابت شده و از اول تا آخر با جداولهای مذهب تزیین یافته است. تاریخ تدوین کتاب، اسم گرد آورنده و تاریخ کتابت در این مجموعه قید نشده و در عین حال، طرز تدوین و ترتیب کتاب و دیگر قراین گواهی می‌دهد که این مجموعه متعلق به کتابخانه سلطنتی شاهان صفوی بوده است. از جمله در چند جای کتاب مهر واقف دیده می‌شود که متن آن باختصار چنین است: «وقف نمود این کتاب را کلب آستانه علی بن ابی طالب... عباس الصفوی بر آستانه منور شاه صفی علیه الرحمه...» بدین ترتیب در متن موصوف هیچ اشاره‌ای نیست که واقف شاه عباس اول (۱۶۲۸ - ۱۵۸۸ م) بوده است یا شاه عباس ثانی (۱۶۶۶ - ۱۶۴۲ م). ولی بر اساس دلایل زیر می‌توان به هویت واقف و تاریخ تدوین کتاب پی برد. ما در بین شعرائی که در کتاب از آنها سخن می‌رود بنام خواجه حسین ثنائی و شیخ علی نقی کمره برمی‌خوریم.

از شاعران صاحب دیوان که با تخلص ثنائی و اسم خواجه حسین شعر سروده‌اند در منابع مشهور دو تن را می‌شناسیم که یکی از آنها خواجه حسین بن عنایت میرزا است و دیگری خواجه حسین بن غیاث‌الدین محمد مشهدی است که هر دو در عصر ده هجری می‌زیسته‌اند^۱. شیخ علی نقی طبق نوشته میرزا طاهر نصرآبادی در سال ۱۵۳۰ هجری (۱۶۲۱ م)^۲ و به تصریح

۱ - محمد علی تبریزی. ریحانة الادب... جلد اول، نشر دوم، ص

۲۱۴، تبریز ۱۳۳۵ ش.

۲ - میرزا طاهر نصرآبادی. تذکره نصرآبادی، با تصحیح وحید دستگردی

ص ۲۳۴ - ۲۲۶ تهران.

محمد فلی تبریزی در سال ۱۰۶۰ هجری (۱۶۶۰ م) در سن ۱۰۲ سالگی وفات کرده است^۱.

بدین طریق اگر ما دوره زندگی این سه شاعر را در نظر بگیریم می توان پی برد که «مجموعه شعرا» با احتمال قوی، در نیمه های سده هفده میلادی تدوین یافته است و واقف آن شاه عباس ثانی بوده است. از برخی علائم و قرآن کتاب می توان حدس زد که این نسخه، نخستین نسخه گردآورنده کتاب است. از نظر تدوین شرح حال و نقل نمونه اشعار سخنوران و تقدم و تأخر آنها تا حدی به روش تذکره های معمولی همانند است. گردآورنده کتاب مانند تذکره دولتشاه و نظایر آن، اسامی شعرا را بر حسب تاریخ و زمان حیات آنها ذکر می کند و در عین حال در نقل اشعار آنها همچنانکه خواهیم دید، از روش تذکره نویسان خارج می شود. شعرائی که شرح حال و نمونه اشعار آنها در «مجموعه شعرا» آمده است بقرار ذیل است:

استاد ابوالحسن رودکی (ص ۱-۱۱)، حکیم فردوسی (۱۳-۱۴)،
 استاد منوچهری (۱۵-۱۶)، استاد الشعرا حکیم عنصری (۲۱-۲۴)،
 امیر مسعود سعد سلمان (۲۵-۱۳۲)، حکیم ازرقی (۱۳۳-۱۴۷)، حکیم
 ابوالفرج رونی (۱۴۸-۱۵۹)، خواجه جمال الدین بن عبدالرزاق اصفهانی
 (۱۵۹-۱۷۹)، شیخ سنائی غزنوی (۱۸۱-۱۸۵)، استاد فلکی شیروانی
 (۱۸۶-۱۹۰)، ابوالعلائی گنجوی (۱۹۱-۱۹۲)، استاد فرخی سنجری
 (۱۹۱-۱۹۴)، سراج الدین قمری (۱۹۴-۱۹۵)، حکیم مختاری غزنوی
 (۱۹۵-۱۹۸)، سید حسن غزنوی (۲۰۱-۲۱۸)، عمیق بخارائی (۲۱۸-

۱ - محمد علی تبریزی، ریحانة الادب، نشر ذکر شده، جلد ۴، ص ۲۳۲

(۲۲۰) ، اثیرالدین اخسیکتی (۲۲۴-۲۲۵) ؛ سیف اسفرننگی (۲۳۰-۲۴۱) ،
 نظامی گنجوی (۲۴۶-۲۴۹) استاد شرف‌الدین شفره (۲۵۰-۲۵۱) ، استاد
 قوامی مطرز رازی (۲۵۱-۲۵۳) ، استاد مجیرالدین بیلقانی (۲۵۴-۲۶۶) ،
 استاد رفیع‌الدین نسوی (۲۶۷-۲۶۹) ، خواجه مجدالدین همگر (۲۶۹-
 ۲۷۳) ، استاد نجیب‌الدین جریادقانی (۲۷۳-۲۹۲) ، رفیع‌الدین مسعود بن
 عبدالعزیز لبنانی (۲۱۳-۳۰۹) ، ادیب صابر ترمذی (۳۰۸-۳۱۰) ،
 سرزنی سمرقندی (۳۱۱-۳۱۴) ، اثیرالدین اومانی (۳۱۶-۳۱۹) ، خواجه
 حسین ثنائی (۳۲۰-۳۲۷) ، قاضی نورالدین اصفهانی (۳۲۸-۳۳۱) ، شیخ
 علی نقی کمره (۲۳۲-۳۳۳) .

در فهرست « مجموعه شعرا » که در آغاز کتاب آمده پیش از
 سه شاعر آخرین اسامی پنج شاعر ذیل : حکیم قطران آذربایجانی ، بدیع‌الدین
 ترگو ، افضل‌الدین کرمانی ، عزالدین طغرل ، شاه کبود جامه ذکر گردیده ،
 ولی در متن کتاب شرح حال و نمونه اشعار آنها نقل نشده است . طبق
 نوشته^۱ دارن گویا این بخش از کتاب پاره و ساقط شده است^۱ ، اما در تأیید
 این نظر در کتاب مزبور هیچ گونه قرینه‌ای دیده نمی‌شود . در این مجموعه
 مقدار نمونه^۲ اشعار که بهر شاعر اختصاص دارد چندان زیاد است که نظیر
 آن را در هیچ یک از تذکره‌های پیش از قرن هفده میلادی نمی‌توان یافت .
 این نکته نیز قابل دقت است که گرد آورنده از دیوان سه شاعر ، یعنی
 مسعود سعد سلمان ، نجیب‌الدین و رفیع‌الدین بن مسعود عبدالعزیز مقدار
 زیادی شعر از قصیده و غزل گرفته تارباعیات در مجموعه نقل کرده است :

اکنون می پردازیم باصل موضوع: چنانکه دیده می شود، در «مجموعه شعرا» سر دفتر شاعران ابو عبدالله جعفر بن محمد رودکی سمرقندیست که گردآورنده کتاب مانند دولت شاه سمرقندی او را با عنوان استاد ابوالحسن رودکی قید کرده است. در صفحه اول ورق دوم کتاب درباره رودکی چنین اخبار درج شده است: «استاد ابوالحسن رودکی در روزگار آل سامان ندیم مجلس امیر نصر احمد سامانی بوده و در علم موسیقی وقوف تمام داشته و بر بطن را نیکو می نواخته، وجه تخلص رودکی بدان جهت است و بعضی گویند رودک موضوعیست از اعمال بخارا و رودکی از آنجاست، کتاب کلیله و دمنه را بقید نظم آورده و امیر نصر را در حق او صلوات گرانمایه است. چنانچه استاد عنصری شرح آن انعام در قصاید خود می گوید: نقل است که چون رودکی در گذشت دویست غلام ترک و هندو باقی گذاشت. قیاس دیگر اموال او ازین توان کرد»^۱. این اطلاعات تازگی ندارد و عیناً همان معلومات تذکره الشعرای دولت شاه سمرقندی است که با اندکی تفاوت در اینجا نقل یافته است: *پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

از ورق ۲ «ب» در حدود ۱۰۵۰ بیت که مشتمل بر ۳۸ قصیده مدحیه است به عنوان نمونه اشعار رودکی نقل می شود که مطلع و شماره ابیات هریک بقرار زیر است:

شماره ۱ - ورق ۲ ب تادل من در هوای نیکوان گشت آشنا
در سرشک دیده گردانم چو مرد آشنا

(۵۲ بیت)

۱ - تذکره الشعرای دولت شاه سمرقندی، بتحقیق وتصحیح محمد عباسی

شماره ۲ - ورق ۳ الف
چو بگشاید نگار من دو بادام و دو مرجان را
بدین نازان کند دل را بدان و نجان کند جان را
(۲۹ بیت)

شماره ۳ - ورق ۳ الف
چنان بیند فراز خویش کیوان همت او را
که بیند خلاق بر گردون فراز خویش کیوان را
(۱۸ بیت)

شماره ۴ - ورق ۳ ب
ز پی آفت هر چیز پدید است سبب
سبب آفت من فرقت آن سیم غیب
(۲۲ بیت)

شماره ۵ - ورق ۳ ب
ای میر جهانگیر چو تو دادگری نیست
چون تو بگه کوشش و بخشش دگری نیست
(۲۲ بیت)

شماره ۶ - ورق ۴ الف
اگر چه ابر شد از اشک چشم من نشکفت
که چون هوا شدم از عشق بجای ابر هواست
(۴۸ بیت)

شماره ۷ - ورق ۴ الف
تا ملک با شاه چستان یارو هم دیدار گشت
گوهری کان خفته بود از کان و کین بیدار گشت
(۳۰ بیت)

شماره ۸ - ورق ۴ ب
اگر چه جانان کس را عزیز چون جان نیست
مرا جهان و تن و جان بجای جانان نیست
(۱۲ بیت)

شماره ۹ - ورق ۴ ب تا ترا گرد مه از مشک سیه پر هون بود
در هوای مهر تو جان و دلم مرهون بود

(۴۴ بیت)

شماره ۱۰ - ورق ۵ الف بوستان را مهرگانی باد زر آگین کند
رنک بستاند ز گلها باده را رنگین کند

(۳۶ بیت)

شماره ۱۱ - ورق ۴ الف بابر وان چو کمانی بزلفگان چو کند
لبانت سوده عقیق و دهانت ساده پرند

(۳۶ بیت)

شماره ۱۲ - ورق ۵ ب آنچه ایزدخواست کرد و آنچه مردم خواست داد
شاه را بالنده کرد و تندرستش کرد یاد

(۱۱ بیت)

شماره ۱۳ - ورق ۵ ب مخالفان ترا گردن ای ملک زده باد
به تیرانی و محنتشان دیده دل آزرده باد

(۱۵ بیت)

شماره ۱۴ - ورق ۶ الف خار و خارا دوستانش را گل حوری دهد
دشمنانش را فلک شبهای دیجوری دهد

(۵ بیت)

شماره ۱۵ - ورق ۶ الف شنبه و شادی و اول مه آذر
زخمه بر افکن به عود و عود به آذر

(۳۹ بیت)

شماره ۱۶ - ورق ۶ الف ب یک بار بود عید بسال اندر یکبار
همواره مرا عید و دیدار تو هموار
(۳۵ بیت)

شماره ۱۷ - ورق ۶ ب تا سپاه گل هزیمت شد ز خیل ماه تیر
از ترنج افروخت پستان چون سپهر از ماه تیر
(۳۵ بیت)

شماره ۱۸ - ورق ۶ ب رخ چو لاله شکفته بر گل سور
زلف چون میخ در شب دیچور
(۲۲ بیت)

شماره ۱۹ - ورق ۷ الف جان دهد لفظ او چو نعمت صور
همچو از نور ایزدی گه طور
(۲۲ بیت)

شماره ۲۰ - ورق ۷ ب نبرد پیل و دل شیر اگرش وصف کم
درین نیاید بهنان در آن نیاید زور
(۲۴ بیت)

شماره ۲۱ - ورق ۷ ب گاه قمری را نوا و گاه ساری را سرود
گاهی از بلبل فغان و گاهی از صلصل صغیر
(۲۴ بیت)

شماره ۲۲ - ورق ۸ الف نگارینا تو از نوری و دیگر نیکوان از گل
چوسنگک از گل شود پید اچرا هستی نوسنگین دل
(۲۰ بیت)

شماره ۲۳ - ورق ۸ ب دو نو بهار پدید آمد اندر اول سال

ز فصل سال و ز فعل تو شد ستوده خصال

(۲۵ بیت)

شماره ۲۴ - ورق ۸ ب خدای داند کز غم چگونه رنجورم

نعمان گیتی گنج است و من چو گنججورم

(۷ بیت)

شماره ۲۵ - ورق ۹ الف چه تشرین آمد گوئی ز نرگس و نسرين

که باغ و بوستان بستند هر دو آن آئين

(۴۵ بیت)

شماره ۲۶ - ورق ۹ الف منم غلام خداوند زلف غایه گون

که هست چون تن من زلف او نوان و نگون

(۲۵ بیت)

شماره ۲۷ - ورق ۹ ب من آن کشیدم و آن دیدم از غم هجران

که هیچ آدمی نیست دیده در دوران

(۶۵ بیت)

شماره ۲۸ - ورق ۱۰ الف مه نیشان شبیخون کرد گوئی بر مه کانون

که گردون گشت از و برگرد و صحرا گشت از و پرنخون

(۲۶ بیت)

شماره ۲۹ - ورق ۱۰ الف شد برگ رزان زرد ز آذر مه و آبان

گشت آب رزان سرخ چو بی جاده تابان

(۱۸ بیت)

شماره ۳۰- ورق ۱۰ ب ای جان من از آرزوی روی تو بیجان
بنمای یکی روی و ببخشای یکی جان
(۴۱ بیت)

شماره ۳۱- ورق ۱۱ الف فغان من همه زان زلف تابدار سیاه
که گاه پرده لاله است و گاه معجر ماه
(۲۶ بیت)

شماره ۳۲- ورق ۱۱ الف بتی را که بودم بدو روزگاری
جدا دارد از من بد آموزگاری
(۳۵ بیت)

شماره ۳۳- ورق ۱۱ ب ای آنکه بر ملوک جهان یافته شاهی
می خور که بداندیش چنان شد که تو خواهی
(۱۱ بیت)

شماره ۳۴- ورق ۱۱ ب ای میر بسان مصطفی بودی
چون او ز همه بدی جدا بودی
(۱۷ بیت)

شماره ۳۵- ورق ۱۲ الف کمر بستند بهر کین شه ترکان پیکاری
همه یکر و بنخونخواری همه یکدل به جرّاری
(۲۸ بیت)

شماره ۳۶- ورق ۱۲ الف ای پیشه تو رامش و پیروزی و بهی
گل رفت و لاله رفت و ترنج آمد و بهی
(۷ بیت)

شماره ۳۶ - ورق ۱۲ ب هر که زو دیده بود یزدان بی فرمانی
درد او را نکند هیچ خوری درمانی

(۳۷ بیت)

از میان این اشعار در ۲۲ قصیده اسامی ممدوحان شاعر ذکر شده است
از جمله ۱۵ قصیده (شماره ۱، ۲، ۴، ۷، ۸، ۱۱، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۴،
۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۳) در مدح ابونصر مملان است، دو قصیده (شماره
۱۷ و ۳۲) در مدح ابو منصور مسعود مملان، دو قصیده (شماره ۹ و ۳۸)
در مدح امیر ابوالمظفر فضلون و یک قصیده (شماره ۲۹) در مدح امیر
ابوالفتح علی سروده شده است.

اشخاصی که در این قصیده‌ها با اسامی آنها برمی‌خوریم، چنانکه از
بررسی‌های تاریخی و ادبی برمی‌آید، از ممدوحان ابومنصور قطران تبریزی
شاعر قرن پنجم هجری (متوفی ۴۴۷ هجری - ۱۰۵۵ م) بوده‌اند که در اواسط
قرن پنج هجری در آذربایجان و اران حکمرانی کرده‌اند. پانزده قصیده و
قطعه باقی‌مانده که اسامی ممدوحان در آنها ذکر نگردیده از نظر سبک بیان
و طرز ادای مقصود و دیگر خصوصیات شعری با ۲۲ قصیده فوق‌الذکر
شبهت فراوان دارند و بدون شک این اشعار متعلق به همان شاعری است
که ۲۲ قصیده فوق را سروده است.

با اینوصف برای اینکه شبهه‌ای پیش نیاید ما مصلحت دانستیم که
این اشعار را بادیوان مجعول رودکی (چاپ نهران) و ترجمه مقاله خاورشناس
انگلیسی دینسن رس و تحقیقات سعید نفیسی و آثار رودکی چاپ تاجیکستان
و دیوان قطران مقابله‌نمائیم، نتیجه این مقابله چنین است: از اشعار منسوب

به رودکی که در « مجموعه شعرا » نقل شده حتی بیتی را نمی توان یافت که در بین آثار گردآمده رودکی که بمناسبت جشن هزار و صدمین سالگرد این سخنور بشکل کتاب جداگانه ای در دوشنبه (تاجیکستان) طبع گردیده و یا در نشر تازه تحقیقات سعید نفیسی آمده باشد^۲. در عوض در دیوان مجعول رودکی (چاپ تهران) به ۱۱ قصیده (قصاید شماره ۱، ۲، ۱۵، ۱۶، ۲۲، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۳۴) برمی خوریم^۳. در مقاله دینسن رس - Denison Ross که زیر عنوان « رودکی و رودکی مجعول » در سال ۱۹۲۴ نشر گردیده و در آن مطلع اشعار دیوان رودکی آورده می شود نیز با ده قصیده (قصاید شماره ۱، ۲، ۱۵، ۱۶، ۲۲، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۳) مصادف می شویم^۴. در تحقیقات سعید نفیسی نیز ۱۲ قصیده (قصاید شماره ۱، ۲، ۱۱، ۱۵، ۲۲، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴) را دچار می نمائیم^۵.

۱ - آثار باقی مانده ابو عبد الله رودکی، زیر تحریر عبدالغنی میرزایف، شهر دوشنبه ۱۹۵۸.

۲ - سعید نفیسی، احوال و اشعار ابو عبد الله جعفر بن محمد رودکی نشر دوم، تهران ۱۳۴۱.

۳ - دیوان حکیم رودکی بخارانی ص ۱، ۵، ۱۸، ۲۲، ۲۲، ۳۲، ۵۵، ۵۹، ۶۲، ۶۵، ۸۹، ۹۱ تهران ۱۳۱۵.

۴ - E. Denison Ross. Rudaki and Pseudo - Rudaki, « Journal of the Royal Society », pp. 609 - 644, London, X-1931.

همچنین مراجعه کرده شود به ترجمه فارسی این مقاله :

سعید نفیسی. اثر ذکر شده، نشر اول جلد سوم، ص ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۲۳، ۹۳۴، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۴۰، ۹۴۱، تهران، ۱۹۱۹ شمسی.

۵ - سعید نفیسی. اثر ذکر شده، نشر اول، جلد دوم ص ۶۶۰، ۶۶۵، ۶۷۸، ۶۸۸، ۷۰۵، ۷۱۴، ۷۲۲، ۷۲۵، ۷۳۹، ۷۴۱، ۷۵۲، ۷۵۷.

مقایسه اشعار منسوب به رودکی در «مجموعه شعرا» بادیوان قطری تبریزی حقیقت مسئله را بکلی روشن کرد. در دیوان قطران، بخش قصائد غیر از ۶ قطعه (شماره ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۲۰، ۲۵، ۲۷) همه قصایدی را که مطلع آنها در فوق مذکور شد برخورد می‌کنیم^۱ از این ۶ قطعه شعر ۵ قطعه گرچه بر حسب مضمون خود اصولاً از جمله اشعار مدحیه محسوب می‌شوند، ولی جز شعر پاره‌های ناقص و ناتمام نیستند. از اینجهت بدون دیوان قطران آنها را در ردیف قصائد داخل نکرده و در بخش مقطعات آورده بوده است^۲.

فقط تشخیص قصیده^۳ ۲۰ که بی‌مطلع آمده نامعلوم ماند، ولی بنگمان ما این قصیده هم نظر با اسلوب خود از دیگر قصاید قطران فرقی ندارد. بررسی در «مجموعه شعرا» و در دیوان قطران جوانب دیگری را نیز روشن کرد. از جمله معلوم شد که قصیده شماره ۳ شعر مستقلی نبوده و پاره‌ای از قصیده شماره ۲ بوده و از بیت ۳۱ به بعد همین قصیده را تشکیل می‌دهد و نیز بیتی که در قصیده شماره ۶ بطریق مطلع آمده مطلع قصیده مزبور نبوده دومین بیت آن بوده است. مطلع اصلی قصیده بیت زیر است:

۱ - دیوان قطران تبریزی. بسعی و اهتمام محمد نخجوانی، ص ۹،
 ۱۷، ۱۸، ۲۲، ۲۶، ۴۳، ۴۶، ۵۲، ۵۷، ۶۷، ۸۷، ۹۸، ۱۳۲، ۱۴۲، ۱۴۷، ۱۴۸،
 ۱۴۹، ۱۸۶، ۲۱۳، ۲۲۷، ۲۹۳، ۳۱۰، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲،
 ۳۵۴، ۳۶۸، ۳۷۳، ۳۹۷.

۲ - دیوان قطران تبریزی. نشر ذکر شده، ص ۴۶۹، ۴۷۷، ۴۷۸،

نگار من بلطینی بسان پاك هواست

مرابدو چو خرد را بجان پاك هواست^۱

اشعار شماره‌های ۱۸، ۱۹ قصاید جداگانه نبوده و هر دو ازارکان یک قصیده بوده‌اند. ویتی که در نصیبه شماره ۲۱ بطریق مطلع آمده دوازدهمین بیت همین قصیده بوده است و مطلع اصلی قصیده این است:

چون کمانم چفته دارد عشن بالائی چو تیر

مهر و خساری ز مهرم سوخته دارد چو قیر^۲

در بین اشعار «مجموعه شعرا» اشعار دیوان قطران بعضی فرقه‌های جزئی نیز دیده می‌شود. از جمله عدد بیت‌های قصاید چه بسا که با هم موافقت ندارند. از این رو چنین تصویری پیش می‌آید که گردآورنده «مجموعه شعرا» با احتمال قوی در کار خود از منابع دیگری نیز استفاده کرده است. بدین ترتیب چنانکه دیده می‌شود اشعاری که در «مجموعه شعرا» بعنوان آثار رودکی قلمداد شده باو تعلق ندارد و همه از میراث ادبی قطران تبریزی بشمار می‌آید. این وضع را نباید مولود سهو کاتب و یا نقل تصادفی اشعار قطران بجای اشعار رودکی پنداشت. زیرا چنین حادثه‌ای وقتی روی می‌دهد که اشعار دوسه شاعر در مجموعه‌ای بلافاصله یکی پس از دیگری آمده باشند. در این مجموعه چنانکه مذکور افتاد، شرح حال رودکی و اشعار منسوب به او در صدر کتاب نقل شده است و اگر شرح حال نمونه اشعار قطران ذکر می‌گردید می‌بایست موافق فهرست ابواب کتاب بعد از شاعر

۱ و ۲ - دیوان قطران تبریزی. نشر ذکر شده، ص ۷۱۵، ۱۴۹، ۱۴۳

۲۸ یعنی بلافاصله پس از اثیرالدین امانی آمده باشد. ولی چنانکه دیده می‌شود در «مجموعه شعرا» رودکی و قطران از همدیگر خیلی دور واقع شده‌اند. بنا بر این احتمال نقل تصادفی اشعار قطران بجای اشعار رودکی بعید است. از طرف دیگر «مجموعه شعرا» نخستین نسخه گردآورنده است که او برای کتابخانه سلطنتی آماده کرده است. طبیعی است که گردآورنده کتاب برای اینکه خود را در پیشگاه فرمانروای وقت و اهل ادب از اعتبار نیندازد کوشش کرده است تا حد امکان اثر خود را مصون از خطاهای فاحش جلوه‌گر سازد.

پس علت نقل اشعار قطران بجای اشعار رودکی چیست؟ در باره این موضوع در تحقیقات ادبی با دو عقیده مواجه می‌شویم. یکی عقیده دینسن رس و دیگر عقیده استاد فقید سعید نفیسی است. اما پیش از آنکه بذکر عقیده این دو محقق پردازیم می‌خواهیم به ملاحظات رضا قلی خان هدایت (۱۲۸۸/۱۸۷۱-۱۲۱۵/۱۸۰۱) که خدمات او در حل این موضوع خیلی بزرگ است، آشنا شویم *علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

هدایت در تذکره خود در دو جا بذکر این معنی پرداخته است. از جمله در شرح حال قطران چنین می‌نویسد: «... دیوانی قریب به هشت الی ده هزار بیت بدست افتاد مشتمل بر قصاید دلکش و ترکیبات خوش بنام آن جناب مشهور و اسامی ممدوحان وی در آن اشعار مسطور. ولی غالب ابیاتی که بنام حکیم رودکی مشهور و سابقاً مسموع و مسطور شده بود در آن مشاهده رفت تا بدان حد آمیختگی بل اتحاد در آن یافت شد که بگمان افتاد که همانا حکیم رودکی را تخلص قطران بوده و بر ظهر کتاب

نگاشته بودند که دیوان قطران مشهور رودکی، در چند موضع تخلص قطران مذکور بود، معلوم شد که سهو کرده‌اند. چون در قصاید وی مدح ابو-نصر مملان دیده‌اند گمان نصر بن احمد سامانی کرده‌اند و تصور شعر رودکی نموده‌اند...^۱ همچنین هنگامی که بشرح حال رودکی می‌پردازد تأکید می‌کند که اکثر اشعار منسوب به رودکی متعلق به قطران است.

از اظهار نظر هدایت معلوم می‌شود که نه فقط برخی از اشعار قطران بلکه دیوان او با وجود قید تخلص وی در چند جا، باز بعنوان دیوان رودکی شناخته شده و حتی گمان کرده‌اند که تخلص رودکی، قطران بوده است. دینسن رس در مقاله خود سخن هدایت را درباره علت نقل اشعار قطران بجای اشعار رودکی تکرار و اضافه می‌کند که این امر نه از راه سهو بلکه به عمد و قصد شده است. یعنی گویا یکی از محققان ایران چون دیده است که از آثار رودکی چیزی نمانده بران شده است که این نقص را جبران نماید. اتفاقاً دیوان قطران را که تا درجه‌ای شاعر گمنام است بدست آورده، بهترین قصیده‌های وی را که اسم ابونصر در آنها بوده انتخاب نموده با اشعار بازمانده رودکی مخلوط کرده و بدین نحو دیوان نوی از رودکی پرداخته است.^۲

اگر سخن فنی در باره چگونگی تدوین «دیوان مجعول رودکی»

۱ - رضا قلی خان هدایت. مجمع الفصحی، بکوشش مظاهر مصفا، جلد

دوم ص ۶۷۲: جلد سوم، ص ۱۱۰۴، تهران، ۴۰ - ۱۳۳۹ شمسی.

۲ - ترجمه مقاله دینسن رس در اثر ذکر شده سعید نفیسی، جلد سوم

استاد ابوالحسن که در روزگار آل ساسانیان در شهر
سمنان بوده و در علم و ادب و کتب و کتب و کتب
کتابخانه که در آنجا است کتب و کتب و کتب
از حال نگارنده و در آنجا است کتب و کتب و کتب
توسط او در آنجا است کتب و کتب و کتب
چونکه در آنجا است کتب و کتب و کتب
که در آنجا است کتب و کتب و کتب

می‌رفت این نظر تخمین دینسن رس را ممکن بود با قید و شرط قبول کرد .
 اما چنانکه از اظهار نظر هدایت مستفاد می‌شود ، مسئله نقل و ثبت اشعار
 قطران بجای اشعار رودکی به این حد محدود نشده بلکه عمومیت یافته است .
 سعید نفیسی در تحقیقات خود مسئله نسبت دادن اشعار قطران را به رودکی
 تنها به دیوان مجعول رودکی محدود نمی‌کند . او تاریخ تدوین این دیوان را
 تخمیناً اواخر قرن ده و آغاز قرن یازده هجری دانسته و متذکر می‌شود که
 « پس از سال ۱۵۹۸/۱۰۰۵ تا زمان ما در بیشتر کتابها اشعار قطران را
 کم و بیش بنام رودکی آورده‌اند »^۱ .

سعید نفیسی همچنین در ۱۷ اثر دیگر بنام رودکی نقل گردیدن اشعار
 قطران را یادآوری نموده ، بر خلاف نظر دینسن رس چنین می‌نویسد :
 « با احتمال قوی این خطا نخست از مؤلفین هندی سرزده است و شاید نسخه
 دیوان مجعول رودکی را در هند ساخته باشند و مجموعه‌ای از اشعار قطران
 را ترتیب داده بنام رودکی معمول داشته‌اند . سپس دیگران بعضی اشعار
 رودکی را در کتب موجوده زمان خود یافته بر آن افزوده و دیوان رودکی
 چاپ تهران را فراهم کرده‌اند »^۲ .

عقیده سعید نفیسی در موضوع نسبت دادن اشعار قطران به رودکی
 با عقیده رضا قلی خان هدایت یکسان است . بدین ترتیب در باره علت
 نقل اشعار قطران بجای اشعار رودکی در « مجموعه شعرا » می‌توان با عقاید
 رضا قلی خان هدایت و سعید نفیسی همراه شد . همانند بودن اسامی ممدوحان

۱ و ۲ - سعید نفیسی . اثر ذکر شده ، جلد دوم ، ص ۶۵۸ ، ۶۵۹ ،

رودکی و قطران و معرفی دیوان قطران بعنوان دیوان رودکی با احتمال قوی سبب شده است که مدون «مجموعه شعرا» اشعار قطران را بنام آثار رودکی قلمداد کند.

حالا این سؤال پیش می آید که گرد آورنده «مجموعه شعرا» پس از ذکر نام قطران که در فهرست آورده چه اشعاری را ممکن بود نقل کند. در حال حاضر اظهار عقیده قاطع درین باره دشوار است. شاید قسمت دیگر از اشعار قطران را از نسخه دیگری نقل می کرد و یا ممکن بود رودکی و قطران را یک شاعر پنداشته شرح حال و نمونه اشعار قطران را اصولاً وارد مجموعه نمی نمود. زیرا در «مجموعه اشعرا» هیچ قرینه ای در باره پاره شدن بخشی از کتاب همچنانکه دارن پنداشته است، دیده نمی شود. در هر حال نقل اشعار قطران بلافاصله پس از شرح حال رودکی در «مجموعه شعرا» باز یک گواه تازه ای راجع به موجود بودن یک نسخه دیگر مجموعه جعلی آثار رودکی می باشد.

گروه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی